

باسمه تعالی

آشنایی با جنگ نرم

ویژه دوره غیر حضوری سرگروه‌های شجره طیبه صالحین

تهیه شده در: گروه محتوایی مرکز آموزش های مجازی بسیج
تابستان سال جهاد اقتصادی

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که ارائه دهنده الگوی جدید حکومت و زندگی اسلامی در مقابل شرق و غرب بود دشمنی تاریخی غرب و شرق علیه ایران اسلامی و الگوی جهانی انقلاب اسلامی آغاز شد.

این دشمنی از ابتدای پیروزی انقلاب به صورت جنگ های تمام عیار مراکز قدرت و ثروت خود را نمایاند. ابتدا با دخالت مستقیم نظامی آمریکا در واقعه «طبس»، سپس با جنگ نظامی ۸ ساله، و وقتی در هر دو با شکست روبرو شد، جنگ اقتصادی را از طریق محاصره اقتصادی راه انداختند و وقتی از این جنگ نیز ناامید شدند، سعی نمودند در جنگ علمی ایران را از دستیابی به علوم و فناوری های روز دنیا محروم نمایند. و هنگامی که از همه این جنگ ها هم نتیجه ای نگرفتند به «جنگ نرم» روی آوردند. جنگی که به ظاهر از جنس انقلاب بود از جنس معنی و آرمان اما با باطنی پوچ.

البته دشمن در هر لحظه از هر روشی که بتواند چه نظامی چه اقتصادی چه اعتقادی و غیره علیه انقلاب اسلامی استفاده خواهد نمود. اما در زمان حاضر بیشتر گزینه جنگ نرم را در صدر راهبرد خود قرار داده است. چرا که نه نیروی نظامی ایران و نه نفت ایران و نه مواردی از این قبیل هیچ کدام نیست که منافع قدرت های بزرگ بین المللی را به خطر انداخته است بلکه این مدل ها و الگوهای «نرم افزارانه» انقلاب اسلامی در شیوه زندگی و حکومت و اقتصادی مبتنی بر معنویت و اسلامیت است که منافع آن ها را به خطر انداخته است. این تجربه مردم سالاری دینی ایران است که برای «غزه»، «عراق»، «ترکیه»، «اندونزی» و همه کشورهای اسلامی و همه مستضعفین جهان الگو شده است.

این «فرهنگ مقاومت» و «شهادت طلبی» انقلاب اسلامی است که استراتژیست های غربی را سر در گم نموده است و رژیم صهیونیستی را در جنگ های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه تسلیم حزب الله و حماس کرده است.

پس این دفعه جنگ بر سر خود آرمان ها و معانی است. و ابزار آن نه محاصره نظامی و سیاسی که محاصره رسانه ای، اعتقادی و بمباران هنرمندان قلب هاست. این بار بجای «بمب شیمیایی» و «گاز خردل» آلمانی و فرانسوی، «بمب نفاق» انگلیسی و «اسلام» امریکایی در کار است.

باتوجه به این توضیحات معلوم است که این جنگ تا چه حد پیچیده خواهد بود و مرزهای آن تا چه حد لغزنده است. لذا در ادامه تلاش می نمایم تا با راهبردها و تاکتیک های این جنگ آشنا شویم.

مفاهیم و تعاریف

فرهنگ:

برخی از جامعه‌شناسان فرهنگ را اینگونه تعریف می‌کنند: «فرهنگ، تفکر فردی و جمعی جامعه است که در پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی تجلی می‌یابد و تمامی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مادی و معنوی را متأثر می‌سازد.»

تهاجم:

تهاجم معادل‌هایی از قبیل «هجمه»، «شبیخون»، «غوغا» و «جنجال گروهی» دارد.

تهاجم فرهنگی:

تهاجم فرهنگی عبارت است از تلاش و یا هجوم برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته یک مجموعه سیاسی و اقتصادی به بنیادهای فرهنگی یک ملت به منظور بی‌هویت کردن و سپس اسیر کردن آن ملت و اجرای مقاصد مورد نظر خویش از طریق یک برنامه مشخص و از پیش تعیین شده.

تبادل فرهنگی یا برخورد فرهنگی:

به ارتباط آزادانه و طبیعی دو قوم با یک دیگر می‌گویند که در آن، عناصری از فرهنگ یک قوم بدون هیچ اجبار و الزامی، به قوم دیگر منتقل گردد.

سلطه فرهنگی:

عبارت است از مبادله یک جانبه عناصر و پدیده‌های فرهنگی. گروه سلطه‌گر سعی می‌کند با تکیه بر اهرم قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی، تبلیغی و رسانه‌ای خویش، باورها، ارزش‌ها، و رفتارهای خود را بر قوم دیگر حاکم نماید و هویت فرهنگی گروه مقابل را تضعیف، تخریب و نابود سازد.

استعمار نو:

نوعی از استعمار که در آن راه نفوذ و سلطه و بهره‌برداری، راه فرهنگی است و از طریق «تخدیر فرهنگی» جوامع تحت سلطه قرار می‌گیرند و مهمترین ابزار نفوذ در این نوع استعمار ابزار رسانه‌ای است. یکی از مشخصه‌های غالب این مساله غفلت مخاطب استعمار از مستعمره بودن خویش است. چرا که استعمار نو به مراتب پیچیده

تر و پنهان تر از استعمار کهنه است. امام خامنه ای حفظه الله تعالی در توضیح این موضوع می فرمایند: "تهاجم فرهنگی، مثل خود کار فرهنگی، اقدام آرام و بی سر و صدا است." ۱۳۷۱/۵/۲۱

ناتوی فرهنگی:

اصطلاحی است تازه وارد در ادبیات سیاسی ایران، و مفهومی است که برای اولین بار مقام معظم رهبری امام خامنه ای حفظه الله تعالی در سال ۱۳۸۵ در جمع اساتید و دانشجویان مطرح نمودند، اما در ادبیات سیاسی جهان مسأله جدیدی نیست.

ایالات متحده آمریکا در دوران جنگ سرد که از سالهای بعد از جنگ دوم جهانی آغاز و با فروپاشی شوروی سابق پایان یافت برای مبارزه فرهنگی و اطلاعاتی با شوروی سابق دست به تشکیل سازمان هایی به ظاهر فرهنگی و دانشگاهی زده بود که محققان از آنها با نام ناتوی فرهنگی یاد می کنند. ناتوی فرهنگی در زمان جنگ سرد مستقیماً توسط سازمان سیا اداره می شد و در حیطه های مختلف به فعالیتهای فرهنگی مشغول بود که از جمله آن می توان به چاپ و نشر کتب مجلات و فصلنامه ها اشاره کرد، از دیگر فعالیت های این ناتوی فرهنگی کنترل محتوا و حتی جهت دهی به هنرهایی مانند موسیقی، نقاشی و فیلم سازی و از این قبیل بوده است.

بطور کلی قدرت به معنی توانایی نفوذ در رفتار دیگران برای گرفتن نتیجه ی مطلوب است. راههای متعددی برای این تأثیرگذاری وجود دارد مانند تهدید، متقاعد کردن از طریق پرداخت مالی یا جذب دیگران و همکاری با آنها.

گاهی می توان بدون دستوردادن بر رفتار دیگران تأثیر گذاشت. اگر بتوانید این را باور کنید که اهدافتان مشروع است می توانید بدون استفاده از تهدید به هدفتان برسید.

سیاستمداران و مردم عادی اغلب قدرت را بعنوان داشتن توانایی نفوذ بر نتیجه کار معنی می کنند. کسی که اقتدار، ثروت یا شخصیت جذابی دارد، قدرتمند خوانده می شود. براساس این تعریف در سیاست بین الملل، ما کشوری را قدرتمند می دانیم که جمعیت زیاد، خاک گسترده، منابع طبیعی فراوان، قدرت اقتصادی، نیروی نظامی و ثبات اجتماعی دارد. برتری این تعریف دوم این است که قدرت را مشخص تر، قابل اندازه گیری و قابل پیش بینی می کند. در این معنا قدرت به معنای داشتن کارتهای برنده در یک بازی است.

اما هنگامی که قدرت بعنوان مترادف برای منابعی که آنرا تولید می کنند، تعریف می شوند، می تواند در مقابل این دو دیدگاه باشد که تأکید دارد دسته ای که بیشترین قدرت را در اختیار دارند همواره به آنچه مدنظر دارد، دست نخواهند یافت.

سنجش قدرت براساس منابع اگرچه ناکامل اما دستاوری مفید است. درک این نکته که کدام منبع بهترین پایه را برای رفتار قدرت در زمینه ای بخصوص تأمین می کند، حائز اهمیت است. نفت تا پیش از انقلاب صنعتی و اورانیوم تا پیش از دوره معاصر منابع تعیین کننده ای بشمار نمی آمدند.

منابع قدرت بدون شناخت زمینه و شرایط موجود قابل ارزیابی نیستند. در بعضی مواقع آنهایی که مدیریتی برعهده دارند، نیرویی تحت فرمان دارند و یا سرمایه ای در اختیار دارند، قدرتمندترین افراد محسوب نمی شوند. اینجاست که انقلابها معنی می یابند.

قدرت نرم:

همه ما با قدرت سخت آشنایی داریم. می دانیم نیروی نظامی و اقتصاد ممکن است موجب تغییر موقعیت افراد شود. و قدرت سخت مبتنی بر مشوق «هویج» و تهدید «چماق» است اما مواقعی پیش می آید که شما بدون تهدید و یا هزینه محسوسی به نتیجه دلخواه دست پیدا می کنید. روشی غیر مستقیم برای دستیابی به چیزی که مدنظر دارید گاهی اوقات روی دیگر قدرت نامیده می شود.

قدرت نرم مفهوم جدیدی است که در دهه اخیر بوجود آمده است. قدرت نرم برخلاف قدرت سنتی به این معنا است که مخاطب نه از روی جبر و اکراه بلکه از رضایتمندی تن به قدرت بدهد و تسلیم خواسته های قدرت شود.

عصر قدرت نرم از بعد از فروپاشی شوروی شروع شده و امروز در ادبیات راهبردی جهان وارد شده است. در قدرت نرم بر روی «ذهنیت» سرمایه گذاری می شود و قدرت نرم تولید عینیت مجازی می کند. مثلاً اگر در دهه های گذشته تبلیغ می شد که فلان ابرقدرت چند هزار کلاهک هسته ای و سلاح های آنچنانی دارد واقعاً هم این توان نظامی وجود داشت اما در حال حاضر با تبلیغات رسانه ای کاری می کنند که اثر روانی و رعب حاصل از وجود آن بمبها و کلاهکها بدون آنکه واقعاً وجود داشته باشد، ایجاد می شود یا از دشمن تصویری اغراق آمیز ساخته می شود.

قدرت نرم به مفهوم تغییر شکل قدرت از «قدرت آمرانه» به «قدرت متقاعدکننده» است و امروزه «اقتصاد اطلاعات پایه» و شبکه های اطلاع رسانی دو ابزار مهم قدرت نرم در دست آمریکائیا است و آنها مدام در حال نظریه پردازی و تکمیل مفهوم قدرت نرم هستند.

قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دهی ترجیحات دیگران. در دنیای تجارت مدیران با هوش واقفند رهبری در صدور فرامین خلاصه نمی شود بلکه جذب دیگران به انجام آنچه شما می خواهید را شامل می شود.

رهبران سیاسی مدتهاست با این مسئله که رهبری موفق از طریق جذابیت حاصل می شود، آشنا هستند. اگر من بتوانم شما را به انجام آنچه می خواهم سوق دهم دیگر نیازی به استفاده از « هویج » و « چماق » برای مجبور کردن شما ندارم. قدرت نرم ستونی از سیاست های روزانه دموکراتیک است. قدرت نرم تنها شبیه به نفوذ نیست. نفوذ می تواند در برگیرنده قدرت سخت تهدیدها و پرداخت ها باشد و قدرت نرم نیز چیزی بیش از ترغیب و یا توانایی به تهیج مردم است. اگرچه این موارد بخش مهمی از قدرت نرم را شامل می شود، اما این مفهوم همچنین توانایی جذب افراد را نیز در بر می گیرد و جذب افراد عموماً به موافقت و رضایت منجر می شود.

به بیان ساده در روابط مبتنی بر اخلاق، قدرت نرم، قدرت جذب کننده ای محسوب می شود. منابع قدرت نرم سرمایه هایی هستند که این جذابیت را ایجاد می کنند.

جنگ نرم:

بنابراین جنگ نرم را می توان هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وا می دارد، تعریف کرد. جنگ روانی، جنگ اطلاعاتی، جنگ سفید، جنگ رسانه ای، جنگ سایبری، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و این گونه موارد از اشکال جنگ نرم است. جنگ نرم با شروع دوره انقلاب علوم و فناوریها، خصوصاً فناوریهای اطلاعات، ارتباطات، الکترونیک و رایانه در سالهای اخیر طراحی شد و در حال حاضر سیر تکاملی خود را طی می نماید.

تفاوت جنگ نرم و سخت

در جنگ سخت جبهه دشمن مشخص است. خاکریزها معلوم و سمت و سوی تیراندازی ها معین و مشخص است. در این شرایط رزمنده کافی است که چشم و بصر خود را به کار گیرد و سمت و سوی دشمن نشانه رود. اما در جنگ نرم فریب حرف اول را می زند به طوری که جبهه دشمن مشخص نیست، خاکریزی وجود ندارد. بنابراین از بصر کاری ساخته نیست و رزمنده باید بصیرت خود را بکار گیرد. در جنگ سخت رزمنده دشمن را می بیند ولی در جنگ نرم، رزمنده باید دشمنی دشمن را ببیند! در جنگ سخت دشمن جسم را نشانه می گیرد و آن را به وسیله تیر و یا دیگر جنگ افزارها هدف قرار می دهد، ولی در جنگ نرم با جسم کاری ندارد بلکه اندیشه و فکر را هدف قرار می دهد و از آن جا که جسم از فکر و اندیشه تبعیت می کند، لذا با زدن فکر و باورها به وسیله ابزارهای شایعه و دروغ و تهمت و تحقیر و از این گونه موارد که از رسانه های جمعی به سوی هدف پرتاب می کند عملاً جسم را نیز در اختیار می گیرد و آن چنان با بمباران به اصطلاح اطلاع رسانی فرد را در یک

خلاء روحی قرار می دهد که جو فکری شخص را کاملاً به هم می ریزد و در این حالت فرد دیگر باورهای خود را باور ندارد و آن چه باور می کند رگبارهای دشمن به ظاهر دلسوز است!

در جنگ نرم کاربرد زور و فشار فیزیکی دیده نمی شود و در این جنگ به جای تلاش جهت تصرف زمین و گرفتن تلفات جانی و مالی و زدن خسارت مادی به دشمن، تمامی کوشش در جهت تسخیر افکار و اذهان صورت می گیرد و به اصطلاح جنگ نرم جنگ بر سر تسلط بر افکار و اذهان است.

در صورت پیروزی در جنگ نرم نیاز به ایجاد و راه اندازی جنگ سخت نیست چرا که در این صورت طرف مقابل با دست خود به میل و خواست طرف دیگر رفتار خواهد کرد.

مبارزات
های
مبارزاتی
بسیج